

چهارشنبه 21 تیر 1396 - 17 شوال 1438 - 12 جولای 2017

قیام خونین مسجد گوهرشاد مشهد علیه کشف حجاب (1314 ش)...



قیام خونین مسجد گوهرشاد مشهد علیه کشف حجاب (1314 ش)

پس از آن که زمزمه شوم نقشه ننگین رضاخانی جهت به تاراج دادن ارزش‌ها؛ در قالب کشف حجاب به مردم رسید اعتراضات سراسری، کشور را فرا گرفت. در این میان یکی از علمای مشهد در شورای مجتهدان شهر، به عنوان نماینده معرفی شد تا با رضاخان مذاکره کند ولی به محض رسیدن به تهران، به دستور رضاخان بازداشت و در ری ممنوع‌الملاقات گردید. مردم که در مسجد گوهرشاد مشهد به این امر اعتراض داشتند، با سخنرانی وعاظ، شوری چند برابر یافته و خواهان مراجعت آن عالم شدند. در ادامه اعتراضات، در روز شنبه 21 تیرماه 1314، در مسجد گوهرشاد، شعارهای ضد سلطنت و ضد حجاب زدایی داده شد و مسجد، یکپارچه سرود مقاومت سر می‌داد. قوای دولتی که مقاومت مردم را دیدند به دستور رضاخان به اجتماع آنان یورش برده و در کشتاری خونین و وحشیانه بین 2 تا 5 هزار نفر را کشتند. کامیون‌های بسیاری، اجساد مبارزین را که جز سلاح ایمان و شهادت، سلاح دیگری نداشتند جابه‌جا کردند. به گفته شاهدان عینی، مأموران دولتی، شهدا و زخمی‌ها را به وسیله 56 کامیون منتقل کرده و در خندق‌های که در اطراف مشهد پیش‌بینی شده بود دفن نمودند. بدین ترتیب، این فاجعه هولناک پایان یافت ولی یاد حماسه خونین این نهضت اسلامی و برخاسته از باورهای ارزشی مردم، برای همیشه در تاریخ مبارزات اسلامی ملت ما باقی ماند. برخی، این حادثه را در 31 مرداد ذکر کرده‌اند.

وقوع غزوه؛ "خندق" معروف به جنگ احزاب در مدینه (5 ق)

آتش افروزان اصلی نبرد احزاب، یهودیان مدینه بودند که با تحریک قبایل و طوایف قریش از جمله: بنی سلیم، بنی‌اسد، غطفان و...، سپاه متحدی بین 10 هزار تا 24 هزار نفر (بنا به نقل‌های مختلف مورخان) جهت هجوم به مدینه‌الرسول مهیا نمودند. این سپاه عظیم، شهر مدینه را به مدت یک ماه در محاصره نگه داشتند. مسلمانان مدینه به فرماندهی پیامبر اسلام(ص) با حفر خندق در دور شهر، از مدینه دفاع کردند. با این که جوسازی منافقان در داخل مدینه به اوج رسیده بود و یهودیان هم پیمان با مسلمانان، پیمان خویش را نقض کردند ولی سپاه سه هزار نفری اسلام، مقاومت سرسختانه‌ای از خود به نمایش گذاشت. سرانجام با کشته شدن "عمرو بن عبدود" شجاع‌ترین و قوی‌ترین نیروی سپاه دشمن به دست امام علی(ع)، مشرکان، روحیه‌ی جنگی خود را از دست داده و پس از مدتی سرگردانی، مفتضحانه شکست را پذیرا شده و به سوی مکه عقب‌نشینی نمودند.

تسخیر شهر مرو توسط ابومسلم خراسانی (130 ق)

پس از تسخیر خراسان توسط اعراب مسلمان در سال 129 ه. ق، ابومسلم خراسانی از شهر مرو قیام کرد و سراسر خراسان را تصرف نمود و از آن زمان به ترتیب عباسیان، طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان بر این سرزمین حکومت کردند.

مرگ "الکساندر همیلتون" سیاست‌مدار و نظریه‌پرداز آمریکایی (1804م)

الکساندر همیلتون سیاست‌مدار و نظریه‌پرداز سیاسی آمریکا در سال 1757 متولد گردید و در 15 سالگی به کلمبیا رفت. وی طرفدار خواسته‌های میهن پرستان بود و از مبارزان انقلاب آمریکا به شمار می‌رفت. در اندیشه سیاسی همیلتون یک حکومت مقتدر دارای جایگاه ویژه‌ای است در حالی که او به عقل سلیم، استدلال و حسن نیت توده‌های مردم به هیچ وجه اعتقاد و اعتماد نداشت. به نظر وی فقط قدرت و منافع شخصی، محرک اعمال افراد است. وی بر این عقیده بود که اگر حکومت در دست عده قلیلی باشد به افراد اکثریت ظلم و استبداد روا خواهد داشت. لذا قدرت باید در دست هر دو طرف باشد. همیلتون تأکید می‌نمود که اقلیت و اکثریت باید کاملاً از یک‌دیگر متمایز بمانند. با این حال، وی در جایگاه رهبری ثروت‌مندان، سرمایه‌داران و فنودال‌ها از هیچ تلاشی برای اعمال نفوذ در دولت و به دست گرفتن رهبری آمریکا، خودداری نمی‌کرد. همیلتون معتقد بود فدرالیست‌ها همواره باید بر دولت و سیاست‌های آمریکا مسلط باشند. وی از برقراری نظام سرمایه‌داری و طبقاتی اشرافی به سبک انگلیس حمایت می‌کرد. همیلتون و همفکرانش پس از استقلال آمریکا ده‌ها مقاله با نام‌های گوناگون منتشر کردند و از نظام سرمایه‌داری و فواید حکومت سلطنتی حمایت نمودند. همیلتون به عنوان یک فیلسوف سیاسی نظرات خود را از طریق انتشار مقالاتی در روزنامه فدرالیست منتشر می‌ساخت. این روزنامه از سوی حزب فدرالیست انتشار می‌یافت که از رهبران آن به شمار می‌رفت. تلاش همیلتون در تشریح قانون اساسی آمریکا باعث شد تا تمامی ایالات 13 گانه در آن زمان این قانون را بپذیرا شوند. به نظر همیلتون هیچ قانونی به اندازه قانون اساسی آمریکا قابل توجیه و شایسته دفاع نیست. در رؤیای همیلتون، آمریکای آینده یک سرزمین ثروت‌مند و صنعتی بود که بعدها جامه عمل پوشید. همیلتون در سیاست

تولد "هنري ديويڊ ثورو" فيلسوف و طبيعي rlm& دان امريكايي (1817م)

هنري ديويڊ ثورو، طبيعي rlm& دان و فيلسوف امريكايي، در 12 ژوئيه 1817م در ايالت ماساچوست امريكا به دنيا آمد. وي در 16 سالگي وارد دانشگاه هاروارد شد و پس از فراغت از تحصيل به كار پرداخت. اما در همه جا و همه حال در جستجوي خدا بود. وي مي rlm& گفت: چون در ميان يك ميليون مردم نيويورك، يك انسان هم پيدا نكرد، از زندگي اجتماعي فاصله گرفت و مدت 2 سال در يك جنگل، درون كلبه rlm& اي كوچك به زندگي پرداخت و توانست ثابت كند كه انسان وقتي خوش rlm& بخت است كه كاملا به قدرت و نيروي خود زندگي كند. وي به عنوان يك نصيحت نوشت: تا مي rlm& تواني بر ديگران متكي نباش. در اين زمان، مردم به ديدار وي مي rlm& رفتند و او را شاگرد جديد مسيح (ع) مي rlm& ناميدند. مردم، او را مردمي rlm& يافتند كه با اندك مالي كه دارد، كاملا خرسند و راضي است. زندگي او سرشار از شگفتي و شادي بود. مناظر و صداهاي طبيعت به او شادمانی مي rlm& داد. ثورو احساس مي rlm& كرد كه جهان، سراسر يك نغمه ابدی است. بخشي از اعتقادات وي را مي rlm& توان چنين برشمرد: انسان جزئي از طبيعت است اما نه مهم rlm& ترين آن؛ دنياي بزرگ براي شادي و سرور كوچك rlm& ترين موجودات خلقت، هستي يافته است؛ ما در اين خاكدان، اقامت كرده و بهشت را از ياد برده rlm& ايم؛ با ثروت زائد، تنها چيزهاي زائد مي rlm& توان خريد؛ تقريبا تمامي راه rlm& هايي كه براي كسب پول پيموده مي rlm& شود به انحطاط مي rlm& رود. ثورو معتقد بود: بزرگ rlm& ترين لعنتي كه دامنگير ماست، حرص ما براي كسب موفقيت است. زندگي ما در شماره كردن چيزهايي كه خيال مي rlm& كنيم بدان rlm& ها نيازمنديم، تلف مي rlm& شود. ثورو از جمله مردان معدودي است كه به تعليم فلسفه پرداخت، بلكه مطابق فلسفه زندگي كرد. وي بر اين اعتقاد بود كه فيلسوف بودن تنها بدان نيست كه آدمي، اندیشه rlm& هاي باريك بينانه بپرورد يا حتي مكتبي بنیان نهد، فيلسوف بودن آن است كه آدمي، حكمت را چنان دوست بدارد كه ساده، آزاده، مستغني و با اطمینان زندگي كند. ثورو همه اين افكار و بيشتر از آن را در منظومه منثور خویش به نام والدین بیان کرده است. علاوه بر والدین، ثورو نژديك به چهل كتاب ديگر هم نوشت كه بيشتر آنها بعد از مرگش انتشار يافتند از جمله: گردش در مزرعه و جنگل، تابستان، زمستان و آغاز بهار در ماساچوست. چكيده فلسفه ثورو، چنان كه از همه آثار او برمي rlm& آيد اين دو كلمه است، قناعت و سادگي. بغرنجي rlm& ها و تعصبات اجتماع را كنار بگذار و خودت باش. عظمت و حقارت خویش را بشناس. تو جزئي از طبيعتي، اما نه مهم rlm& ترين جزء. تو مركز و هسته زمين نيستي، همچنان كه زمين مركز عالم نيست. ثورو عشقي بي rlm& کران براي مخلوقات خدا داشت و همه جانداران در نظر او عالي بودند. علاقه و بستگي ثورو با همه موجودات زنده، زاده اعتقاد او به اين اصل بود كه هر يك از موجودات، هر چند كوچك و ناچيز باشد، جزئي از مظهر ذات لايتناهي و ابدی جهان است. بنابرین اگر انسان را به طور مجزا مورد نظر قرار دهيم، وجود عالي rlm& ترين انسان، حادثه ناچيزي بيش نيست. اما اگر انسان را به عنوان جزئي از كل در نظر آوريم، حتي پست rlm& ترين انسان، حلقه ضروري و لازمي در طرح شادي rlm& بخش زندگي است. هر يك از ما ساخته آن مغز جهاني است كه آن هنگام كه ما در خواب هستيم، او مشغول اندیشه و تفكر است. هنري ديويڊ ثورو تا آخر عمرش از لحاظ مالي فقير و از لحاظ روحي غني باقي ماند تا اينكه در ششم مه 1862م در 45 سالگي بر اثر ابتلا به بيماري سل، درگذشت.

خارجي معتقد به گرايش امريكا به سوي انگلستان بود و توانست جان آدامز دومين رئيس جمهور امريكا را به امضاي پيمان اتحاد با انگلستان وادار نمايد. اين پيمان كه به نقض قرارداد امريكا و فرانسه منجر گرديد، باعث بروز اختلاف ميان دو كشور و در نتيجه به جنگ امريكا و فرانسه انجاميد. وقوع اين جنگ و پيروي فرانسه، شكست فدراليست rlm& ها به رهبري هميلتون در جريان انتخابات رياست جمهوري را در پي داشت. الكساندر هميلتون در 12 ژوئيه 1804 در جريان يك دوتل در 47 سالگي كشته شد.